



نظیفه سادات مؤذن (باران)

استفاده قرار گیرد. نکته‌های مورد نظر به این شرح است:

۱. به محض ورود به کلاس، وارد بحث درسی شوید و هیچ زمانی را برای آمادگی ذهنی شاگردان در نظر نگیرید. مگر به شماربندی دارد که ذهن شاگرد هنوز درگیر مسائل ساعت قبل یا زنگ تفریح است؟ شما باید از لحظات ساعت درسی استفاده کنید و خواندن شعر، روایت، بیان یک حکایت یا چیزهایی از این دست، دقایقی از کلاس را می‌گیرد. اهمیتی ندارد که بیان چنین مطالبی تا چه حد در آمادگی شاگرد و تمرکز حواس او

با سلام و احترام فراوان به محضر تمام معلمان و مربیان محترم.

اینجانب پس از سالها نشستن در کلاسهای درس و استفاده از محضر معلمان بسیار، به این نتیجه رسیدم که تعداد قابل توجهی از آموزگاران ما، هیچ اطلاعی درباره «بد تدریس کردن» ندارند و اصول و قواعد آن را نمی‌دانند. به همین دلیل و از ترس اینکه نکند فضاهاى آموزشى ما دچار یکنواختى و کسالت شوند، راهکارهای کلاسداری متنوع‌تر و جدیدتر را در قالب ۲۰ نکته به تحریر درآوردم. به این امید که مورد توجه و

برای درس، مؤثر است.

۲. هرگز روش تدریس خود را تغییر ندهید و همواره از همان روش سخنرانی و توضیحی استفاده کنید. لزومی ندارد که با استفاده از روشهای دیگر تدریس، تنوع ایجاد نمایید و بنابر «قانون شدت»<sup>۱</sup> با ایجاد هیجان در کلاس، سطح یادگیری شاگردان را بالا ببرید و از مقدار فراموش شدن درس بکاهید. مثلاً برای تدریس درس «جانوران» آنها را برای گردش علمی به موزه جانورشناسی یا باغ وحش ببرید که حیوانات را از نزدیک ببینند و جزئیات مسائل درسی را «مشاهده» کنند و برای شما گزارش از مشاهدات خود بنویسند؛ بلکه به عکسهای کتاب درسی در این رابطه اکتفا کنید و باز هم به همان روش توضیحی و سخنرانی که خودتان بیان درس را به عهده دارید، تکیه نمایید.

۳. احتیاجی نیست که هنگام

تدریس، گاهی شاگردان را درگیر مطلب کنید و از آنها سوالاتی بپرسید تا در مسیر درس، تعاملی ایجاد شود. اهمیتی ندارد که سخن گفتن یک جانبه

معلم، خستگی و کسالت می آورد و از ضریب یادگیری شاگرد می کاهد. مهم این است که حجم مورد نظر کتاب را تدریس کنید؛ نه اینکه شاگردان چه درصدی از مطالب را دریافت کرده و آموخته اند.

۴. اگر شاگردی سؤالی پرسید، توجهی به این مسئله نداشته باشید که جواب دادن به این سؤال در وسط درس، ممکن است مسیر تدریس را تغییر دهد و مدیریت زمان از دستتان خارج شود. نه تنها آن سؤال را (بدون در نظر گرفتن شرایط) پاسخ دهید، بلکه سؤالات دیگری را هم که در ادامه برای سایر شاگردان پیش می آید، بی جواب نگذارید. به آنها نگوئید که سؤالات را یادداشت کنند و در زمان مخصوصی که از قبل در طرح درستان در نظر گرفته اید، بپرسند.

۵. در هنگام تدریس، توجهی به

۱. قانون «شدت» یکی از قوانین یادگیری است که می گوید: یک واقعه مهیج و جذاب، بیش تر از یک واقعه عادی و کسل کننده در ذهن می ماند. (کلّیات روشها و فنون تدریس، امان الله صفوی، تهران، معاصر، دهم، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

روحیه حاکم بر کلاس نداشته باشید؛ مثلاً اگر ساعت قبل یا بعد، امتحانی برگزار شده یا قرار است برگزار شود و شاگردان در ناراحتی یا اضطراب حاصل از آن هستند، هیچ صحبتی در این باره نکنید و برای خارج شدن از این حالت، کمکی به آنها ننمایید؛ بلکه تدریستان را (حتی اگر درس بسیار مهم و مشکل باشد) انجام دهید.

۶. برای دسته بندی و توجه دادن به نکات مهم از تخته سیاه یا سایر وسایل کمک آموزشی استفاده نکنید. لزومی ندارد که مطالب، دسته بندی شده و قابل به ذهن سپردن، به شاگرد عرضه شود. احتیاجی هم نیست که با ابزار جدید آموزشی، جدولها، شکلها و تصاویر لازم را به شاگردانتان ارائه کنید. همان روشهای قدیمی آموزشی، برای رسیدن به یادگیری مطلوب، کافی هستند.

۸. در امر تدریس شعار «هر چه پیش آید خوش آید» را سرلوحه اعمالتان قرار دهید و «تهیه طرح درس سالانه یا ماهانه و...» را کاری عبث و مربوط به معلمان بی تجربه بدانید. چه لزومی دارد که شما از ابتدای سال تحصیلی یا دوره آموزشی برنامه داشته باشید و حجم تدریس هر جلسه را برنامه ریزی کرده باشید؟ چه نیازی هست که شما آزمونهای گاه به گاه داشته باشید و از قبل برای آنها زمان تعیین کرده باشید؟ درباره هر جلسه، شب قبل تصمیم بگیرید و هر طور که سلیقه و حوصلهتان ایجاب می‌کرد، مسیر آموزشی یک سال یا دوره تحصیلی را طی کنید و به اتمام برسانید.

۷. در آغاز آموزش هر مطلب، رفتار ورودی<sup>۱</sup> را ارزیابی نکنید و از کامل بودن ساخت شناختی<sup>۲</sup> شاگردان مطمئن نشوید. مهم نیست که آموخته‌های قبلی آنها (حتی آن دسته از

۱. وضعیت کنونی دانش و مهارت یک دانش آموز در رابطه با وضعیتی که معلم برای آینده او در نظر گرفته است (همان، ص ۴۱).

۲. آموخته‌ها و تجربه‌های گذشته شاگرد (مهارت‌های آموزشی و پرورشی، حسن شعبانی، تهران، سمت، نوزدهم، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

کنید این کلمات را از قاموس آموزش، حذف کنید. فقط مطالب و معلومات درسی را به شاگردان ارائه نمایید و ذهنتان را درگیر فهمیدن و اندیشیدن نکنید. بگذارید حفظ کنند و نمره بگیرند.

۱۲. این حق شماست که ساعت استراحت شاگردان را برای درس، که یقیناً اهمیت بیش‌تری دارد، استفاده کنید. حتماً شاگردان در طولانی شدن درس تا این ساعت، مقصر بوده‌اند؛ پس اشکالی ندارد که به جای استراحت و آماده شدن برای ساعت بعد، در خدمت شما و درستان باشند.

۱۳. این شاگردان هستند که باید در کلاس باشند؛ غیبت‌هایشان را موجه کنند؛ از قبل به مسئولان اطلاع بدهند و ... شما می‌توانید به محض وقوع کوچک‌ترین مشکلی، به کلاس نروید یا دیر به کلاس برسید. عقب ماندگی‌های درسی را هم، با کلاسهای جبرانی یا بالابردن سرعت تدریس جبران کنید. به هیچ وجه برای تأثیر منفی این مسائل بر روحیه شاگردان و در نتیجه کاهش یادگیری آنان، نگران

۹. «وعده» و «وعید» را در هر موقعیتی که احساس نیاز کردید؛ به کار بگیرید و نگران این نباشید که آیا امکان به جا آوردن آنها را دارید یا نه. لازم نیست به فکر مسئله «خوش قولی» باشید و به موقعیت خود در میان شاگردان و تأثیر کلامتان بر آنها فکر کنید. آن لحظه، تأثیر آن وعده یا وعید در کلاس اهمیت دارد که اهداف همان لحظه و همان جلسه درسی را تأمین نماید.

۱۰. وقتی روی تخته یا وایت بُرد می‌نویسید، به مرتب بودن و منسجم بودن و حتی کامل و صحیح بودن نوشته‌ها توجه نکنید. هیچ کدام از این نکته‌ها اهمیتی ندارد. حتی موقع پاک کردن مطالب، از دست و آستین کمک بگیرید و ترتیبی در پاک کردن و دوباره نوشتن قائل نباشید.

۱۱. همیشه به دانش‌آموزان یادآوری کنید که «حافظه» تنها چیزی است که در دوران تحصیل مفید است. کلماتی مثل «تفکر»، «تحلیل»، «درک» و واژه‌های ناخوشایندی از این دست، کاملاً بی‌فایده‌اند. با تمام قدرت تلاش

و «از دیوار صدا در بیاید از شاگردان در نیاید». صمیمیت شاگرد با معلم مضرات فراوانی دارد، علاوه بر اینکه «رویشان زیاد می‌شود» و «کلاس را روی سرشان می‌گذارند». ممکن است گاهی دلشان بخواهد مشکلشان را با معلم طرح کنند و او مجبور شود گاهی برای حل آن مشکل بردارد. این در حالی است که معلم باید تمام حواسش متمرکز بر درس و تدریس باشد و این صمیمیتها اصلاً به نفع روابط معلم و شاگردی و اصول کلاسداری نیست.

۱۶. اگر احیاناً کسی از برخوردارهای خشن و خشک شما با شاگردان انتقاد کرد، وجود روحیه «انتقاد پذیری» را آن هم «در اشدّ حالت ممکن» در لیست اخلاق حسنه خود به اثبات برسانید، شروع کنید به صمیمی شدن با شاگردان؛ به صورتی که هیچ فاصله و حدّ و مرزی به نام «معلم و شاگردی» میان شما باقی نماند و شوخیهای بسیار جالب شما با دانش‌آموزان، تمام خشونتها و دلخوریهای سابق را به کلی و از ریشه و بُن، برکنند.

نباشید. مهم این است که شما به عنوان معلم و استاد از کار خود راضی باشید و خود را در فشار و اجبار حضور به موقع و همیشگی در کلاس نبینید. این گونه ناراحتیها برای معلم خوب نیست و بر روند کارش تأثیر منفی می‌گذارد.

۱۴. در هنگام تدریس انرژی زیادی صرف نکنید. روی صندلی خود با آرامش بنشینید و بدون اینکه کوچک‌ترین فشاری به حنجره خود بیاورید، درستان را بدهید. از بالا و پایین بردن صدا، سکوت‌های معنی دار و به موقع، حرکت در میان صندلیهای دانش‌آموزان و سایر روشهای این چنینی بپرهیزید. این کارها علاوه بر اینکه انرژی زیادی از شما می‌گیرند، باعث می‌شوند شاگردان نتوانند به اموری که برنامه ریزی کرده‌اند در کلاس انجام دهند، برسند و در میان شما و شاگرد دلخوری پیش بیاید.

۱۵. برای به دست گرفتن انضباط کلاس، چنان جدّی و خشک با شاگردانتان رفتار کنید که جرأت کوچک‌ترین بی‌انضباطی، خنده، احساس صمیمیت و... به خود ندهند

زمینه یادآور شوید یا پوشش ظاهر خود را براساس آن تغییری بدهید. چه کسی گفته است که شما در شکل دادن به باورها و ارزشهای درونی شاگردان، نقشی می‌توانید داشته باشید و وظیفه‌ای در این مورد دارید؟

۲۰. سرعت تدریس و مقدار توضیحات را براساس آنچه از قبل تصمیم گرفته‌اید، تنظیم کنید؛ نه با توجه به فضای کلاس. بنابراین حتی اگر متوجه شدید که شاگردان به این توضیحات نیاز ندارند و صحبت‌های شما برایشان خسته کننده است، تدریستان را براساس برنامه ریزی قبلی انجام دهید و صحبت‌هایتان را خلاصه نکنید. اگر هم دیدید که شاگردان متوجه مطلب نشده‌اند و به توضیح بیش‌تری نیاز دارند، نگاهی به ساعت بیندازید و از مطلب بگذرید تا طبق برنامه به تدریستان برسید.

با آرزوی کلاسهایی به یادماندنی برای شما و شاگردانتان.

۱۷. معلومات خود را در حد کتاب درسی نگه دارید. هیچ ضرورتی ندارد که بیش از آن، چیزی بدانید. اگر هم روزی، شاگردی، سؤالی پرسید که خارج از محدوده اطلاعات محدود شما بود، او را متهم کنید که نظم کلاس را بر هم می‌زند و ذهن شاگردان دیگر را مشوش می‌کند یا به هر روش دیگری که صلاح می‌دانید، از جواب دادن طفره بسروید؛ هرگز واژه «نمی‌دانم» را بر زبان نیاورید یا وعده «پاسخی در آینده بر اساس مطالعه» را به او ندهید.

۱۸. «احترام» واژه‌ای است که مخصوص شاگرد در کتب لغت وضع شده است و ارتباطی با معلم ندارد. پس تا می‌توانید از شاگردانتان انتظار داشته باشید که آن را در مورد شما «مرعی بدانند»؛ اما خود را موظف به رعایت آن درباره شاگردان ندانید.

۱۹. از آنجا که شما مسئول فرهنگی و مربی امور تربیتی نیستید و وظیفه‌ای برای تعظیم شعائر الهی ندارید، هیچ لزومی ندارد که در ایام شادی یا حزن مذهبی، نکته‌ای در این